



- ۲..... مفهوم «وقایه» در آیه شش سوره تحریم
- ۲..... عامیت مخاطب آیه وقایه
- ۲..... مفهوم «وقایه»
- ۳..... ۱. مطلق اقدامات تربیتی
- ۳..... ۲. خصوص امر و نهی
- ۳..... بررسی احتمالات موجود در مفهوم «وقایه»
- ۴..... روایات ذیل آیه وقایه
- ۴..... ۱. روایت «عبد الاعلی»
- ۵..... ۲. روایت اول «ابی بصیر»
- ۵..... ۳. روایت دوم «ابی بصیر»
- ۶..... شمول روایات در صیانت امر و نهی
- ۶..... پرسش
- ۶..... پاسخ
- ۷..... روایات و نحوه انجام وظیفه تربیتی وقایی
- ۷..... ۴. روایت «سلیمان بن خالد»
- ۸..... ارشاد در مفهوم «قوا»
- ۸..... روایات اهل سنت
- ۹..... عدم حصر وقایه در امر و نهی
- ۹..... شمول وقایه در اقدامات تربیتی



مفهوم «وقایه» در آیه شش سوره تحریم

ما در خصوص این آیه ۶ سوره تحریم بحث‌های مفصلی داشتیم که به بعضی نکاتش چون به بحث جدیدمان ربط دارد و مهم است اشاره جدیدی داریم ایه شریفه این بود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ».

عامیت مخاطب آیه وقایه

در این آیه ما سابق به این شکل بحث کردیم که این خطاب «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» یک بحث در آیه بود که چند نکته را گفتیم یکی اینکه این خطاب عام است و همه مکلفین را می‌گیرد و در این بحث شامل مرد و زن و همه می‌شود این یکی دو نکته راجع به این بود. که عام بودنش علتش این است که در روایات معتبر داریم که در قرآن هر جا می‌گوید که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شامل منافق و اهل ضلال و همه می‌شود این خطاب را متوجه مؤمن کردن برای این است که در او تأثیر دارد این یک نکته تربیتی دارد که مخاطب را مؤمن قرار می‌دهد والا از نظر فقهی و حکمی همه مخاطب احکام هستند این روایت هم نبود همین را می‌گفتیم ولی روایات معتبر دارد که می‌گوید خطابات «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مشترک بین همه است و در اینجا هم شامل مرد و زن هم می‌شود این دو از مسلمات فقهی در آیات قرآن است من فهرست بیست، سی تا بحث را سریع عبور می‌کنم این یک محور بحث ما در «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» بود.

مفهوم «وقایه»

یک محور بحث ما هم در «قوا» بوده که این امر بوده که در این «قوا» هم یک بحث ما در صیغه امر بوده یک بحث هم در ماده امر یعنی وقایه بوده در صیغه امر پنج، شش تا بحث داشتیم که دلالت بر وجوب می‌کند وجوب اینجا وجوب مولوی است نسبت به «انفسکم» ارشادی است و لی نسبت به «اهلیکم» مولوی است و در عین حال نسبت به «اهلیکم» ارشادی است و جمع این دو هم جایز است گفتیم این وجوب نفسی کفایی است و یسقط بفعل الغیر؛ و این دو جمله هم با هم فرق دارند. نکات دیگر هم احتمالاً در وجوب بوده، نفسی و توسلی و احیاناً چند نکته دیگر است.

در آیه محور اول «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» بود که می‌گوییم شامل همه و مرد و زن می‌شود یعنی در اینجا هم پدر را می‌گیرد هم مادر را و هم زن را و هم مرد را می‌گیرد. این بحث اول بود محور دوم روی واژه قوا هست که در بحث صیغه‌اش این مباحث را آوردیم و یک بحث هم در ماده وقایه بوده و خود مفهوم وقایه که در مفهوم وقایه ما نکاتی را



عرض کردیم و هفت، هشت بحث راجع به وقایه بوده که چند مورد را اشاره کردیم. من مباحث وقایه را وارد نمی‌شوم و بخواهیم وارد شویم فهرستش هم طولانی می‌شود. اجمالاً گفتیم که وقایه همان مفهوم صیانت را دارد و در اینجا هم نکاتی را عرض کردیم. بحثی که اینجا می‌خواهیم مطرح کنیم آنجا هم مطرح کردیم و کمی روشن‌تر و عمیق‌تر کنیم این است که در باب وقایه تا این آیه نازل شد بعضی نگران شدند که ما چگونه می‌توانیم اقدام کنیم که به هر شکلی نگذاریم که بچه‌هایمان و اهلمان در معصیت قرار بگیرند روایاتی در ذیل این آمده که مهم است در این وقایه دو احتمال در مفهوم وقایه هست از حیثی که ما می‌گوییم:

۱. مطلق اقدامات تربیتی

یکی اینکه مطلق باشد هر نوع عملیات تربیتی را بگیرد مطلق اقدامات تربیتی باشد یعنی اینکه امرش کند و تشویقش کند و کتاب دستش دهد.

۲. خصوص امر و نهی

دیگری اینکه بگوییم خصوص امر و نهی باشد «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» یعنی همان امر به معروف و نهی از منکر، به او بگوید این کار را بکن، آن کار را نکن.

بررسی احتمالات موجود در مفهوم «وقایه»

در اینجا ممکن است کسی بگوید که همین احتمال دوم مقصود است که اگر احتمال دوم شود آن وقت دامنه وسیع و ابعاد تربیتی که در آیه ابتدائاً به ذهن آدم می‌آید خیلی محدود می‌شود «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» یعنی امر و نهی کن این کار خوب است انجام بده و این کار را انجام نده ولی بنابر احتمال اول می‌گوید «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» یعنی تدابیر تربیتی بیندیش و اقدامات همه جانبه تربیتی را می‌گیرد ممکن است کسی بگوید ما اگر باشیم و ظاهر اولیه آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ» قوا مفهوم خیلی وسیع دارد امر و نهی است او را حفظ کن و از گناه مصونش بدار یعنی اینکه تشویقش کند تنبیهش کن توبیخش کن کتاب به او ده و نوع رفتار اینطور باشد و همه چیزهایی که مؤثر است برای اینکه امر و نهی خدا را عمل کند و درست تربیت شود اما اگر بگوییم فقط امر و نهی است مثل امر به معروف و نهی از منکر عمومی می‌شود که در خانه هم امر به معروف و نهی از منکر می‌کند بنابر احتمال دوم این آیه همان بحث «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» آل عمران/۱۰۴، است منتهی در فضای خانواده این را



مورد تأکید قرار داده است چون آن یک وظیفه همگانی اجتماعی است که در فضای خانه مورد تأکید قرار گرفته اما بنابر احتمال اول بحث ما خیلی ربط پیدا می‌کند یعنی می‌گوییم که پدر و مادر و اعضای خانواده در قبال همدیگر یک مسئولیت تربیتی فرا امر و نهی دارند نه فقط امر و نهی کنند ظاهر آیه احتمال اول است که دامنه وسیع‌تری دارد و منطبق بر امر و نهی نیست اما ممکن است کسی بگوید طبق روایاتی که اینجا داریم معنای دوم است بعضی از این روایات را من می‌خوانم.

روایات ذیل آیه وقایه

روایات تفسیری شیعه‌اش نور الثقلین و برهان و یکی هم تفسیر عیاشی است منتهی تفسیر عیاشی دو جلدی است که بخشی از قرآن است. نورالثقلین اسنادش را ندارد. کتاب برهان هست جلد پنجم ذیل همین آیه سوره تحریم است آیه شش سوره تحریم هست در اینجا در کتاب برهان جلد پنجم ذیل همین آیه سوره تحریم آیه شش «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا». من چند روایت که اینجا هست می‌خوانم.

۱. روایت «عبد الاعلی»

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِذَّافِرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي وَ قَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كُلَّتُ أَهْلِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسُكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسُكَ»^۱

یک روایت این است که و عن عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِذَّافِرٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامِ ظاهراً سندش معتبر است امام صادق^۷ فرمودند لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ که یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا جَلَسَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَبْكِي وَ قَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كُلَّتُ أَهْلِي من نسبت به خودم عاجز بودم ولی یک تکلیفی نسبت به خاندانم بر من گذاشته شد من چطور می‌توانم آن‌ها را از آتش جهنم حفظ کنم؛ وَ قَالَ أَنَا عَجَزْتُ عَنْ نَفْسِي كُلَّتُ أَهْلِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسُكَ وَ

^۱ - الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص ۶۲.



تَنَاهَاهُمْ عَمَّا تَنَهَى عَنْهُ نَفْسُكَ. آنچه که بر تو وظیفه است این است که آن‌ها را به چیزی امر کنی که خودت را امر می‌کنی یعنی تأمرهم و تنهاهم این یک روایت است.

۲. روایت اول «ابی بصیر»

روایت دوم که اینجا روایت چهارم در ذیل این آیه در جلد پنجم البرهان فی تفسیر القرآن هست این هست که و بإسناده عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا قُلْتُ كَيْفَ أَقِيهِمْ^۲ من چطور این‌ها را حفظ کنم حضرت فرمود «تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَتَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ»^۳. اگر آن‌ها قبول کردند، قبول کردند اگر هم عصیان کردند فقد قضیت ما عليك این هم روایت دیگر.

۳. روایت دوم «ابی بصیر»

روایت بعدی هم که روایت معتبر است عنه عن عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَافِي هُمْ اینجا آدرس داده است آنجا هم از امام صادق است که در ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» سؤال کرد «كَيْفَ نَقِي أَهْلَنَا قَالَ تَأْمُرُونَهُمْ وَتَنْهَوْنَهُمْ»^۳ امر و نهیشان می‌کنید. آیه را که ببینیم بحث فنی دقیق است نظیر این بحث فنی که قبلاً هم گفتیم این بحث این است که آیه را که شما ببینید یک مفهوم دامنه‌دار و گسترده‌ای را افاده می‌کند ولی وقتی در روایت مفسر می‌روی کمی محدود می‌شود نظیر این هم ما در خیلی جاها داریم مثلاً در همان آیه ای که دارد «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا» نساء/۸۶. او مثل‌ها. آنجا اگر آیه را بگیریم هر نوع تحیتی که به آدم می‌کنند باید جوابش دهد ولی در روایت آمده که مقصود سلام است یعنی به صیغه سلام اگر کسی به شما تحیت ادا کرد جواب را به سلام دهید اما پشت ماشین بوق بزند آن محدود شده است.

^۲ - البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۲۴.

^۳ - همان.



شمول روایات در صیانت امر و نهی

ممکن است کسی در اینجا همین را بگوید اگر ما باشیم و این آیه «یا ایها الذین آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً». دارد یک وظیفه تربیتی فراتر از امر و نهی روی دوش خانواده می‌گذارد نسبت به همدیگر خودتان را از آتش حفظ بکنید. یکی از مصادیق صیانت از یکدیگر این است که امر و نهی کنی ولی مختص به این نیست تشویق و ترغیب کن و تذکر ده و کارهای مختلفی که بچه خوب تربیت شود. آیه یک شمولی دارد ولی روایات می‌گوید که «كَيْفَ نَقِي أَهْلَنَا» حضرت می‌فرماید تَأْمُرُونَهُمْ وَتَنْهَوْنَهُمْ». در امر و نهی واجب نیست که شما نسبت به یک واجبی زمینه‌سازی کنید که کسی این را انجام دهد زمینه‌سازی که از نظر شخصیتی به او برسی و از نظر روحی توجه بکنی نه او می‌گوید تکلیفش که می‌رسد اگر خلاف می‌کند تذکر ده و اگر بنا نیست انجام دهد بگو که انجام ده. یعنی شما بروید صد اقدام دقیق روان-شناختی کنید این مصداق امر به معروف و نهی از منکر نیست این همه تدابیر روان‌شناختی انجام شود برای اینکه او وظیفه‌اش را انجام دهد یا اینکه معصیت را ترک کند خوب است مستحب مؤکد هم هست ولی وجوب را نمی‌رساند. این چیزی است که در آیه با آن مواجه هستیم. این استدلال برای وجه دوم است که مقصود از استدلال در اینجا و صیانت یک مقصود خاص از صیانت است صیانت امر و نهی است که شبیه امر به معروف و نهی از منکر است نظیر اینکه در تحیت می‌گوییم که مقصود از تحیت در آیه مطلق نیست تحیت همان صیغه سلام است.

پرسش

این هم ممکن است که کسی بگوید استدلال برای این و وجهش همین چهار پنج روایت است که بعضی هم معتبر است که وقتی سؤال می‌کند «كَيْفَ نَقِي أَهْلَنَا» می‌گوید تَأْمُرُونَهُمْ وَتَنْهَوْنَهُمْ»..

پاسخ

این استدلال را ممکن است ما با دو سه نکته جواب دهیم.

۱. یک جوابش این است که این روایات فقط در صدد این است که بگوید آن وقایه اجباری و اکراهی مقصود آیه نیست. مثلاً وقتی آیه نازل شد کسی از مسلمان‌ها تلقی‌اش این بود که من باید اهل‌م را حفظ کنم یعنی باید به هر شکلی این‌ها را حفظ کنم وقایه اجباری و اکراهی به ذهنش می‌آمد یعنی با زور و تحمیل و هر شکلی من باید او را حفظ کنم که واجبش را انجام دهد و حرامش را ترک کند. یک تکلیف شاق نسبت به وقایه اجباری و



اکراهی به ذهنش آمد آن وقت پیغمبر اکرم و ادامه به تبع آن در واقع وقتی می‌گوید «تَأْمُرُونَهُمْ وَ تَنْهَوْنَهُمْ».. تأکید روی امر و نهی مقابل تشویق و ترغیب و تدابیر تربیتی دیگر ندارد فقط این وقایه اکراهی و اجباری را نهی می‌کند آن چیزی بود که در ذهن سنگینی می‌کرد و برایش یک تکلیف شاقی به حساب می‌آمد این می‌خواهد بگوید آن نیست آن امر و نهی است امر و نهی به عنوان یکی از راه‌های است

۲. یکی هم این است که تشویق و ترغیبش کن. راه‌هایی که می‌شود انجام داد برای اینکه این واجبات را انجام دهد و محرمانش را ترک کند.

روایات و نحوه انجام وظیفه تربیتی وقایی

ممکن است بگوییم که این بیان اینجا اولاً در خیلی روایات معتبرش حصر نیست حصر هم باشد حصر اضافی است نمی‌خواهد بگوید فقط امر و نهی است اینکه بگوید مقصود از وقایه خصوص امر و نهی است به خاطر روایت روایاتی که می‌گوید «تَأْمُرُونَهُمْ وَ تَنْهَوْنَهُمْ». و این حصرش می‌کند. جوابش این است که:

اولاً: در روایات حصر نیست.

ثانیاً: حصر هم اگر بگوییم استفاده می‌شود حصر اضافی برای نفی وقایه اکراهی است اما سایر چیزهایی که حالت اکراهی نیست فعالیت‌های تربیتی است یادش می‌آورد. می‌تواند یادش بیاورد تذکر دهد موعظه کند قشنگ حرف بزند و احترامش بگذارد و تشویقش کن این اقدامات باعث می‌شود که برادرش یا پدرش از معصیت فاصله بگیرد و یا چیزی را انجام دهد که یک بار اضافه‌ای از امر و نهی دارد منتهی این «تَأْمُرُونَهُمْ وَ تَنْهَوْنَهُمْ» از باب یکی از مصادیق تربیتی است مقابل آن فعالیت‌های اکراهی است که این حصر اضافه را نفی می‌کند؛ و شاهد برای این هم این است که در خود روایات غیر از امر و نهی هم آمده است این نشان می‌دهد که حرفی که ما می‌زنیم حصر در اینجا نیست این روایاتی است که می‌تواند شاهد بر این باشد که این حصر اضافی است.

۴. روایت «سلیمان بن خالد»

یکی روایتی که در کتاب برهان آمده و از کافی است روایت ششم ذیل همین آیه کتاب البرهان فی تفسیر القرآن جلد پنجم ذیل سوره تحریم که صفحه چهار صد و بیست و چهار است. اینجا دارد که و عنه عن مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ این روایت معتبر است.



قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ۷ إِنَّ لِي أَهْلَ بَيْتٍ وَهُمْ يَسْمَعُونَ مِنِّي أَفَادْعُوهُمْ إِلَيَّ هَذَا الْأَمْرُ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ^۴. این در مورد ولایت ائمه است می‌گوید که من کسانی در خانواده‌ام دارم که حرف مرا می‌شنوند آیا من آن‌ها را به این امر یعنی به ولایت شما دعوت کنم حضرت فرمود بله و تعلیل می‌کند این تکلیف را به اینکه إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا. می‌گوید ما کسی در اقوامان داریم که سنی است ولی اگر من اقدام بکنم می‌پذیرد حضرت فرمود بله «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا».

ارشاد در مفهوم «قوا»

اینجا بحث آموزش دادن و آگاه کردن او نسبت به یک اصل اعتقادی است این بحث دعوت است و چیزی فراتر از امر و نهی به معروف است این یک نوع ارشاد است و غیر از امر به معروف و نهی از منکر است در روایت معتبر می‌گوید «قوا أنفسکم» ارشاد و تعلیم را هم می‌گیرد. این نشان می‌دهد که امر و نهی که در این روایات آمده نمی‌خواهد خصوص امر و نهی را بگوید می‌خواهد بگوید آن کارهای اضطراری و اکراهی مقصود من نیست. این یک شاهد است.

روایات اهل سنت

دو سه روایت است که در کتاب اهل سنت است که شاهد خوبی برای قصه است. در جلد ششم تفسیر درالمنثور ذیل آیه سوره تحریم صفحه سیصد و چهل و چهار آمده که روایتی هست که أخرج عبدالرزاق و سعید بن منصور و بیهقی از امیرالمؤمنین نقل کرده‌اند - سند عامی نیست - امیرالمؤمنین فرمود: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» حضرت فرمود «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيَكُمْ الْخَيْرَ وَأَدْبُوهُمْ»^۵. اینجا باز تعلیم و تأدیب آمده که آن‌ها را ادب کنید یعنی یک چیزی از امر و نهی آمده باز در روایت دیگری در درالمنثور از ابن عباس نقل شده که گفته که «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» یعنی «أَدْبُوا أَهْلِيَكُمْ» یا «أَوْصُوا أَهْلِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ»^۶ البته روایت اولش سند معتبر داشت و در مجامع خاصه آمده بود

^۴ - البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص: ۴۲۴

^۵ - منیة المرید، ص ۳۸۰.

^۶ - همان، ص ۳۸۱.



این روایات در درالمنتور آمده ولی از ابن عباس و دیگران نقل شده و قصه‌ای هم که نقل می‌کنند از پیغمبر اکرم در آن زمان است معلوم می‌شود که مجموعاً ممکن است ما این را بپذیریم.

عدم حصر وقایه در امر و نهی

بنابر این عرض ما این است که ولو اینکه ابتدائاً وقتی کسی سراغ روایات می‌رود در وادی امر می‌بیند «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ» یعنی امر و نهی بکنید و لذا آن احتمال و نظریه دوم در ذهنش می‌آید ولی اگر ما یک مقدار تأمل کنیم فکر می‌کنیم که در روایت حصر نیست اگر هم باشد اضافی است یعنی این فضا فضای این است که می‌خواهد سنگینی تکلیف که ابتدا به دوش افراد می‌آمد این را می‌خواهد سبک کند فکر نکنید می‌گوید «قُوا أَنْفُسَكُمْ» یعنی با هر ضرب و زوری شده با هر شیوه و تدبیری شده و با اکراه و این‌ها بایستی او را اصلاح کنیم. همان روال عادی قصه است که به عنوان مصداق عادی امر و نهی را می‌گوید. اگر ما این را بگوییم که بعید نیست چون با توجه به اینکه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً» این را در نظر داشته باشیم که آیه با چه ظنینی و با چه تأکیدی روی وقایه حرف می‌زند می‌گوییم که در روایت کل وقایه را محدود کرد به امر و نهی در چهار چوب امر به معروف و نهی از منکر، و لذا با این شواهدی که عرض کردیم ما قبلاً هم این را گفتیم.

شمول وقایه در اقدامات تربیتی

۱. معتقدیم که در وقایه این احتمال را تقویت می‌کنیم که مقصود از وقایه اینجا همان عملیات تربیتی است اما به این نکته باید توجه داشته باشیم که این اقدامات تربیتی که انجام می‌گیرد این نکات مهم است مقصود از وقایه با ملاحظه این مفاهیم این است مفهوم وقایه در اینجا اقدامات تربیتی در فضای خانوادگی است برای انجام واجبات و ترک معاصی البته گفتیم که واجبات و معاصی و این‌ها گاهی به عنوان اولی است گاهی به عنوان ثانوی است گاهی حکم حکومتی است این اقدامات تربیتی است منتهی با این ملاحظات که اولاً اجبار و اکراه مقصود نیست و کارهای شاق مقصود نیست

۲. یک نکته هم اینکه این فراتر از امر به معروف و نهی از منکر است یعنی یک باب خاصی در فضای خانواده است که نتیجه آن می‌شود با این ملاحظه ما وقایه را تفسیر کردیم. کار شاقی که برای ما مشقت داشته باشد یا اینکه اکراه بکند، یعنی با فشار و تحمیل او را به سمت انجام یک واجب یا ترک معصیت ببرد. یک وقتی است



که کاری برای او شاق است این روایت می‌گوید که مقصود آن نیست یک وقتی هم برای ما شاق است این هم مقصود آیه نیست کارهای متعارفی که در زمانهای متفاوت انجام می‌شود برای اینکه این بچه خوب شود روش-های مناسب و متعارف که برای تربیت او انجام می‌شود این وظیفه شما است.

بنابراین آیه نفی نمی‌کند، روایات نفی می‌کند. مجموعه آیه و روایت ما را به اینجا می‌رساند. خواندیم که وقتی آیه نازل شد وحشت کردند که چه کار باید بکنند. روایت می‌گوید که آیه که نازل شد طرف وحشت کرد و گریه کرد که این چه تکلیفی است او که زیر بار نمی‌رود. همه جا نمی‌توانم وقایه را محقق بکنم حضرت فرمود «تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ فَإِنْ أَطَاعُوا كُنْتَ قَدْ وَفَّيْتَهُمْ وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ»^۷. امر و نهی می‌کنی خوب شد که شد نشد هم نشد تو کار خودت را کردی. یعنی اینکه باید شود و باید اجبارش بکنی این نیست همان حالت طبیعی وظایف را انجام ده منتهی ما می‌گفتیم حالت طبیعی امر و نهی صرف نیست اقدامات تربیتی را هم می‌گیرد. این حداقلی است که «تأمرهم و تنهاهم» آن‌ها را نفی می‌کند. این می‌گوید همان را به او می‌گویی و راه را نشان می‌دهی اما اینکه ضرب و زور به کار ببری این حداقل چیزی است که این روایات می‌خواهد نفی بکند اگر این روایات نبود ممکن بود این را بگوییم پنج شش روایت معتبر می‌گوید «تأمرهم و تنهاهم». در یک روایت می‌گوید دعوت به حق هم بکن «اعلموهم یا اُدبوه» اما فراتر از اینکه کاری بخواهد اجبار شود و اکراه شود این مدلول روایات حداقل این قسم را نفی می‌کند آن همان مصداق را دعوت می‌گوید می‌گوید باید این کار را مصداق دعوت قرار دهد. البته ما یک احتمالی دادیم گفتیم ممکن است بگوییم که چیزهای فراتر از این مستحب است منتهی با این آیه نمی‌شود. به هر حال مجموع این است. دو احتمال در این آیه هست:

۱. یکی اینکه کسی قرص و قاطع بایستد و جمود به الفاظ بکند و بگوید که «قوا أنفسکم» همان امر و نهی است

والسلام

۲. یکی اینکه چیزی فراتر از امر و نهی است نه به آن شکل که ما فکر می‌کنیم، که این وظیفه الزامی پدر و مادر است، در حد متعارف که شیوه‌های مناسب را برای انجام واجبات و ترک معاصی در حد متعارف انجام دهد.

^۷ - البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۴۲۴.